

## تقویم ایرانی در آثار مسعود سعد سلمان

وقتی که سخن از زبان و ادبیات فارسی و تاریخ ایران در میان می‌آید، ما آن را از ظهور دین مبین اسلام شروع می‌کنیم و چنان تصوّر می‌نماییم که ادبیات فارسی به ویژه شعر فارسی از ادبیات عرب سرچشمه گرفته است و مثال عمده آن اصطلاحاتی است مانند قصیده، غزل و رباعی. ولی واقعیت امر این است که ریشه این اصناف سخن در زبان و ادبیات پهلوی است که آنها را سرود، چکامه یا چگامه و دوبیتی می‌گفتند. در اینجا این بحث را مطرح نمی‌کنیم که پس از ظهور اسلام و به مرور زمان چه تحولات و تغییراتی در این اصناف سخن به وجود آمد.

نه تنها ریشه ادبیات فارسی در زبان و ادبیات پهلوی است و در زمان فرمانروایی شاهان سلسله ساسانی (۲۲۴-۶۳۷ میلادی) رشد و توسعه یافت، بلکه خود پادشاهان این سلسله برای حکمرانان زمان آینده، چه ازبک، تاجیک و چه ترک و مغول الگو (ایده‌آل) بودند. مثال عمده القابی است مثل فریدون فرو، جم جاه و نام‌هایی مانند گرشاسب، طهماسب، افراسیاب و جز اینها و همه این فرمانروایان نه تنها می‌خواستند دربار خود را مثل دربار ساسانیان بیارایند، بلکه امور اداری حکومت خود را نیز بر همین اساس بنا نهادند.

زمانی که اکبر (۱۰۱۴-۹۶۳) پادشاه مغول بابر هند در منطقه شمالی این شبه قاره حکومت خود را تشکیل داد، در امور اداری از تقویمی استفاده کرد که قبلاً در عصر و زمان ساسانیان رواج داشت.

باید در اینجا این نکته را نیز توضیح بدهم که ما هر ماه را در چهار واحد قسمت کرده‌ایم که هر یکی را هفته می‌نامیم و برای هر روز اسم خاصی گذاشته‌ایم مانند جمعه

و شنبه... و هندوان نیز اسم هر روز را به نام یکی از سیارات هفتگانه نام گذاری کرده‌اند، و به عقیده آنها هر روز اثر خاصی دارد. چنانکه روز سه شنبه را روز هَنوُمَان می‌دانند و در آن روز به معبد این اله رفته وی را نیایش می‌کنند و در آن روز گوشت نمی‌خورند. همچنین روز شنبه که نام شینی اله است برای آنها نحس است و در آن روز چیزی که از آهن ساخته شده باشد را نمی‌خرند که نکند کار به جنگ و جدال بکشد. برای از بین بردن اثر نحس این اله پولی نیز به عنوان نذر و صدقه خرج می‌کنند. ولی برعکس این عقیده، تیموریان بآبری هند، بالخصوص در دوره فرمانروایی جهانگیر پادشاه به علت اینکه وی روز شنبه بیستم جمادی‌الثانی سال هزار و چهارده هجری (قمری) بر تخت سلطنت جلوس کرده بود بنا براین در سرتاسر عهد سلطنتش روز شنبه را مبارک شنبه<sup>۱</sup> می‌گفتند. علاوه بر این در بعضی جاها روز شنبه را به عنوان شنبه مبارک یاد کرده‌اند<sup>۲</sup> و از آنجا که گاهی در همین روز اتفاق بدی رخ می‌داد آن را گم شنبه نیز گفته‌اند.

ولی ساسانیان برای هر روز یک ماه نام خاصی گذاشته بودند که در مجموع سی اسم می‌شد که مسعود سعد سلمان آنها در شعر خود بیان نموده است.

هندوها اسامی دوازده ماه را بر اساس دوازده برج نام گذاشته‌اند که در تقویم افغانستان نیز اسامی آنها همین طور است، مانند حمل و قوس و جدی و سرطان و غیره. ولی ایرانیان اسمهای دوازده ماه را به نام دوازده فرشته که هر یکی را امشاسپند می‌گفتند نام گذاری کرده بودند.

چنانکه می‌دانیم در زمان امپراطور اکبر، کسانی که به نوشتن تاریخ عصر آن فرمانروا همت گماشتند از تقویم ایران باستان استفاده کردند و اسامی سی روز و دوازده ماه را بر همین روال می‌نوشتند.

من این نکته را با کمال ارادت به خدمت دانشمندانی که برای اخذ مطالب تاریخی به کتاب‌هایی مانند اکبرنامه و آیین اکبری مراجعه می‌کنند تذکر می‌دهم. زیرا بعضی از

۱. اقبال‌نامه: متضمن بر احوال شاهزادگی شاهجهان پادشاه تألیف معتمد خان، نسخه خطی کتابخانه خدا بخش، HL119A برگ ۴ ب.

۲. احوال شاهزادگی شاهجهان تألیف عنایت خان، نسخه خطی کتابخانه خدا بخش، برگ ۱ ب.

مترجمین و محققین بزرگ دربارهٔ این متون دچار اشتباهات فاحشی شده‌اند. باید بدانیم آنچه که تقویم الهی نامیده می‌شود و منسوب به دین الهی است که آن هم ابداع افترای ذهن اکبرشاه بود، در واقع همان تقویمی است که در زمان ساسانیان مورد استفادهٔ ایرانیان قرار می‌گرفت. خانم فقید بوردج (Beveridge) وقتی که در ضمن وقایع سال هفدهم جلوس اکبر بر تخت سلطنت تا سال چهل و یکم سال الهی پس از تولد شاهزاده سلطان دانیال، به اکبرنامه اثر معروف ابوالفضل مراجعه کرد این جمله را چنین خواند: در روز اسناد اردیبهشت الهی سنه سی و چهارم که سیوم رجب ماه نهصد و نود و هفت بود حکم مجدد شد... آنچه محقق نامبرده روز اسناد خواند در اصل اشتاد روز است که روز بیست و ششم تقویم ساسانیان است.

در اینجا دو نکته قابل توجه است. یکی اینکه تقویم ایرانی پس از اعلام دین الهی توسط پادشاه مغول بابر هند به عنوان دین مملکت وی تا زمان شاهجهان رایج بود. البته در زمان نوه‌اش شاهجهان تقویم قمری را نیز مورخینی که تاریخ زمان وی را می‌نوشتند به کار می‌بردند. ولی جلالی طباطبایی بیشتر تقویم ایرانی را مورد استفاده قرار داده است.

دوّمین نکته این که ایرانیان در حال حاضر تقویم شمسی خود را چنان منظم ساخته‌اند که شش ماه اوّل سال دارای ۳۱ روز می‌باشد و شش ماه آخر سال مشتمل بر ۳۰ روز است. به این صورت مسئلهٔ سال کبیسه را حل نموده‌اند. ناگفته نماند که تقویم ایران باستان با اسامی که در عصر ساسانیان رایج بود میان زرتشتیان ایران تاکنون رایج است. البته آنها نیز این تقویم را با تقویم رسمی ایران تطبیق داده‌اند. مثلاً در سال ۱۳۵۵ آنها سی و یکمین روز ماه فرورین را اورمزد روز و سی و یکمین روز ماه اردیبهشت را وهمن روز نام نهاده‌اند. تقویم سال نامبرده در زیر ارائه می‌گردد:

#### ماه فروردین سال ۱۳۵۳

۱. اورمزد و فرورینماه؛ ۲. وهمن؛ ۳. اردیبهشت؛ ۴. شهریور؛ ۵. سپندارمذ؛ ۶. خورداد  
فروردینماه؛ ۷. امرداد؛ ۸. دی بآذر؛ ۹. آذر؛ ۱۰. آبان؛ ۱۱. خور؛ ۱۲. ماه؛ ۱۳. تیر؛  
۱۴. گوش؛ ۱۵. دی بمهر؛ ۱۶. مهر؛ ۱۷. سروش؛ ۱۸. رشن؛ ۱۹. فروردین؛ ۲۰. ورهرام؛

۲۱. رام؛ ۲۲. باد؛ ۲۳. دی بدین؛ ۲۴. دین؛ ۲۵. ارد؛ ۲۶. اشتاد/ استادا؛ ۲۷. آسمان؛  
۲۸. ذامیاد؛ ۲۹. مانتره سپند؛ ۳۰. انارام؛ ۳۱. اورمزد و اردیبهشت

### ماه اردیبهشت ۱۳۵۳

۱. وهمن؛ ۲. اردیبهشت؛ ۳. شهریور؛ ۴. سپندارمذ؛ ۵. خورداد؛ ۶. امرداد؛ ۷. دی آذر؛  
۸. آذر؛ ۹. آبان؛ ۱۰. خور (خیر)؛ ۱۱. ماه؛ ۱۲. تیر؛ ۱۳. کوش؛ ۱۴. دی بمهر؛ ۱۵. مهر؛  
۱۶. سروش؛ ۱۷. رشن؛ ۱۸. فروردین؛ ۱۹. ورهرام؛ ۲۰. رام؛ ۲۱. باد؛ ۲۲. دی بدین؛  
۲۳. دین؛ ۲۴. ارد؛ ۲۵. اشتاد؛ ۲۶. آسمان؛ ۲۷. زامیان؛ ۲۸. مانتره سپند؛ ۲۹. انارام؛  
۳۰. ورمزد خوردادم؛ ۳۱. وهمن

در آخر این نکته را نیز اضافه می‌کنم که به یاد سپردن سی روز ماه برای عامه مردم کاری آسان نبود و چون دین مبین اسلام در مملکت فارس نفوذ و رسوخ پیدا کرد و مردم تازه مسلمان هر هفته به نماز جمعه رفتن را واجب می‌دانستند، لذا در خاطر نگهداشتن نام‌های هفته برای آنها آسان‌تر بود. مسعود سعد سلمان از این موضوع نیز بی‌خبر نبوده و بدین جهت او این نام‌ها را نیز به رشته نظم کشیده است.